

تحلیل جایگاه اخلاقی مهارت تقابل، هنگام تعارض بین همسران از منظر قرآن

محبوبه موسائی پور*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۶

چکیده

توجه به شیوه‌های حل تعارض بین همسران و نهادینه کردن آن در میان خانواده‌ها امری ضروری است. هدف از آموزش این شیوه‌ها، آن است که همسران بیاموزند هنگام پیدایش اختلاف، روشی مناسب پیش گیرند و از راه حل‌هایی معقول و منصفانه بهره جویند. در راستای این هدف، پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی استنتاجی از آیات قرآن و به روش توصیفی - کتابخانه‌ای، به مسأله تعارض و راهکارهای مدیریت تعارض بین همسران پرداخته است. می‌توان گفت مهم‌ترین مهارت و فن مورد نیاز همسران به هنگام تعارض و تنش، مهارت تقابل با هدف اصلاح مشکل و رسیدن به وحدت دوباره، مورد تأیید آیات قرآن است که با تأکید بر مبنا و اصل اخلاقی معاشرت به معروف یعنی رفتار بر اساس عقل و شرع، صورت می‌پذیرد تا هر یک از زوجین در رفتار با همسر خود، از آن به عنوان یک مؤلفه تعیین کننده، در پستی و بلندی، خوشی و ناخوشی زندگی مشترک، بهره جویند و شامل مراحل منسجم و هدفمندی می‌شود که با حفظ اولویت عبارت‌اند از صحبت منطقی (موعظه، نصیحت و پند)، تعاملات رفتاری حاکی از ناخرسندی که خود دارای مراتبی است و در نهایت استفاده از مشاور.

کلیدواژگان: قرآن، سازگاری، عقل، معاشرت به معروف.

مقدمه

خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش اساسی در سلامت جامعه دارد؛ و زوجین به عنوان نیروی تعیین کننده جهت و شیوه حرکت خانواده در چرخه زندگی آن، توجه ویژه‌ای را می‌طلبند. در این میان، وجود اختلاف بین همسران، یکی از مهم‌ترین مسائل بین زوجین است. تعارض، قلب روابط عاشقانه است (ها و همکاران، ۲۰۱۳)؛ وجود لطیفه‌ای چون «علت عمده طلاق‌ها، ازدواج است»، ناظر بر پیوند تعارض و صمیمیت است (السون و دی فرین و اسکوگراند، ۲۰۱۰). بنابراین، تعارض در روابط صمیمی، طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست؛ زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین، زمینه‌های بی‌شمار تعارض را فراهم می‌کند (ویکس و تریث، ۲۰۰۱) و آنچه در این میان، مهم است تعیین ماهیت طبیعی یا معمولی بودن تعارضات بین همسران است که بسیار دشوار است. تعارضات زناشویی به مثابه حاصلی از احساسات و تعاملات رفتاری منفی در همسران، بسته به موضوع تعارضات، شدت و استمرار تعارضات و شیوه‌های حل تعارضات در صورت پایداری، می‌تواند حاوی پیامد جدی فیزیولوژیکی و روان‌شناختی باشد (گاتمن، ۱۹۹۴) و یا مجموعه‌ای از نشانه‌های افسردگی، اختلالات خوردن، وابستگی به الکل و... همراه می‌شود و پیامد خانوادگی مهمی چون ضعف والدگری، ضعف در سازگاری کودکان، افزایش تعارضات والد-فرزندی و تعارضات بین فرزندان با یکدیگر را در پی دارد (فینچام، ۲۰۰۳). فروپاشی روابط زوجین شایع‌ترین جلوه تعارض شدید است (گاتمن، ۱۹۹۴) و احتمال وقوع طلاق را در همسران، به ویژه در سال‌های آغازین پس از ازدواج افزایش می‌دهد (کوک و جونز، ۲۰۰۲)؛ آمار اداره ثبت احوال (به عنوان نمونه مراجعه شود به آمار ثبت احوال استان قزوین)، نیز گویای فراوانی طلاق در زنان و مردانی است که بین چهار تا ده سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته است. طلاق و فروپاشی خانواده، ضمن برهم زدن تعادل روانی-عاطفی افراد خانواده و جامعه، منجر به بروز بسیاری آسیب‌های اجتماعی می‌گردد، پیامدهای سوء طلاق در پیکر اجتماع و پدیدآیی نابسامانی متعاقب آن، برای زن و شوهر و فرزندان و نیز کسانی که به نوعی با آنان مرتبط‌اند، در ابعاد مختلف روانی، رفتاری، اقتصادی و اجتماعی حایز اهمیت است و ضرورت و اهمیت خاص بررسی تعارض، به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز پدیده طلاق

و ارائه راهبردهایی برای مداخله در این امر را نمایان می‌سازد. از سوی دیگر، در دوران معاصر، خانواده مسلمان نیز در معرض تغییرات ساختاری قرار گرفته که همین امر روابط موجود در میان اعضای خانواده را دچار دگرگونی و پراکندگی نموده است، در نتیجه، قوی‌ترین پیوندهای انسانی در مستحکم‌ترین قرارگاه آن از منظر اسلام، یعنی خانواده، در معرض تهدید جدی قرار گرفته است و از آنجا که همسران مسلمان باید و ضرورتاً، الگوی سبک زندگی خود را در درجه اول از آموزه‌های بلند قرآن بگیرند؛ هنجارهای اخلاقی قرآن به مثابه قواعد رفتاری که مورد عمل همگانی باشند، آنطور که شاید و باید، به صحنه اجتماعی مسلمانان نیامده‌اند؛ بر این اساس در این مقاله سعی شده تا با رویکرد تحلیلی استنتاجی، شیوه اخلاقی مدیریت تعارض بین همسران و مهارت‌های لازم حل آن، از منظر قرآن بررسی گردد.

روش تحقیق در جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - کتابخانه‌ای می‌باشد. سؤال مهم این پژوهش عبارت است از:

- شیوه قرآن جهت مدیریت تعارض بین همسران چیست؟ و شامل چه مراحل می‌شود؟

پیشینه پژوهش

هرچند، در حوزه دینی، کتب و مقالات مختلفی با عنوان خانواده در اسلام یا اخلاق در خانواده نوشته شده است مانند «خانواده در اسلام» سیدمحمد صدر، «نظام خانواده در اسلام» حسین انصاریان، «نظام حیات خانواده در اسلام» علی قائمی. همچنین مقاله «جایگاه حقوق و اخلاق در خانواده از منظر قرآن و روایات» از جمال فرزندوحی؛ فاطمه احمدی؛ دوره ۴، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۲، فصلنامه سراج منیر یا مقاله «بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام(ص)» از جمال رضایی و علی اصغر نراقی، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹ فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت؛ اما به مسأله تقابل بین همسران به عنوان یک مهارت با رویکرد اخلاقی در فرآیند مدیریت تعارض، با استنباط از آیات قرآن جنبه نوآوری این پژوهش است که تا به حال در این حوزه، انجام نشده است.

تعریف تعارض

تعارض عبارت است از توافق نداشتن و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری نظرات و اهداف و رفتاری که با نظر دیگری مخالف است و همچنین ستیزه‌ای بین افراد در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف است (بهارستان، ۱۳۸۳: ۹۸). به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت تعارض در روابط، زمانی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر همسو نیست.

مبنای اخلاقی حل تعارض بین همسران از منظر قرآن

با دقت و تأمل در آیات قرآن، چنین به نظر می‌رسد که از منظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین، به خصوص هنگام تعارض، معاشرت به معروف است که صریحاً در آیه ۱۹ سوره نساء به آن اشاره شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد». به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت، معاشرت به معروف یا حسن معاشرت، یک اصل رفتاری - اخلاقی است که قرآن، آن را به هر یک از همسران آموزش می‌دهد تا هر یک از آنان، حتی با وجود اکراه قلبی و شاید فارغ از عشق و محبت واقعی، آن را به یکدیگر عرضه دارند؛ چراکه در قسمتی از آیه آمده است: «و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد».

به عبارت دیگر می‌توان گفت از منظر قرآن، مبنای رفتار همسران، برای به حداقل رسانیدن زمینه‌های بروز تنش و نزاع میان آنان، «حسن معاشرت» یا «معاشرت به معروف» است که در آیه ۲۲۸ بقره نیز به گونه‌ای صریح، وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف

معرفی می‌کند: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. معاشرت، به دلیل ساختار واژگانی - باب مفاعله- از مفاهیم اجتماعی دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ معاشرت مردان با زنان، زنان با زنان، مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آن‌ها گزینه اخیر است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۷۸: ۵) اگرچه این آیه شریفه، در مورد معاشرت به معروف مردان با همسران خود است، اما عقلاً بازتاب طبیعی آن، طرفینی بودن این نحوه رفتار است؛ پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند، همسان و برابرند. معروف در لغت به معنی هر فعلی است که توسط عقل و شرع پسندیده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۶۱)؛ تأمل در تفاسیر مختلف نیز گویای این نکته است که هرچند برخی تفاسیر در تفسیر آیه مذکور سخن از احسان یا معاشرت نیکو یا معاشرت پسندیده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۰۴) به میان آورده‌اند که بیش‌تر در حد ترجمه است نه تفسیر؛ و عده‌ای نیز به صرف ادای حقوق زن همچون مهریه و نفقه و... (طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۵۰) اشاره کرده‌اند؛ اما آنچه در خور دقت است اینکه، در تفاسیر متأخر، با توجه به پیشرفت و رشد سطح فرهنگ و تمدن بشر، به خصوص بالندگی و رشد فکری انسان‌ها، به سطح بالای انتظارات عرف توجه شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد آیه شریفه مذکور در صدد بیان مفهومی فراتر از صرف ادای حقوق همسران است؛ بلکه مسائل اخلاقی‌ای را در نظر دارد که بی‌گمان مطابق شیوه فرهنگی قرآن کریم، از ارزش‌های اصیل انسانی نشأت می‌گیرد. از نگاه قرآن هر نوع رفتاری که در چارچوب معروف جای گیرد، بایسته و ستوده و هر رفتاری که از این دایره بیرون باشد، ناپسند و نکوهیده است و تشخیص این روابط، به عهده عقل سلیمی است که متکی بر اصول و معیارهای شریعت اسلامی است (الطباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۵۵-۲۵۶؛ رشید رضا، ۱۹۹۵، ج ۴: ۴۵۶).

قرآن و مهارت حل تعارض همسران بر مبنای حسن معاشرت

در هنگام وجود تعارض بین همسران، آنچه از آیات قرآن بر مبنای اخلاقی حسن معاشرت و معاشرت به معروف استنباط می‌شود؛ مهارت تقابل است که در لغت به معنای

رو در رو شدن و مقابل هم قرار گرفتن آمده است؛ اما در اصطلاح همانطور که برخی روان‌شناسان و جامعه‌شناسانی چون *زیمل* اظهار می‌دارند؛ به مثابه فنی است که برای حل و رفع انواع دوگانگی‌ها در جهت رسیدن به وحدت طراحی شده است (برمکی، ۱۳۸۱: ۸۵). به عبارت دیگر، تقابل در زندگی زناشویی زمانی به کار می‌رود که هر یک از همسران از زوج خود، رفتاری خلاف شرع، عرف و منطق ببینند. در چنین مواردی آن چه قرآن بر آن اصرار دارد؛ تقابل بر مبنای اخلاق و تعادل، در جهت اصلاح رفتار همسر با شرایط و سبک خاصی است که در ادامه خواهد آمد.

تقابل و غیرت ورزی

غیرت‌ورزی و تقابل از مفاهیم بسیار نزدیک به هم هستند که تنها تفاوت آن‌ها این است که غیرت ورزی بر اساس متون اخلاقی و روایی، بیش‌تر، در مواردی اتفاق می‌افتد که رفتاری خلاف شرع از همسر سر بزند؛ در حالی که همانطور که اشاره شد تقابل کلی‌تر بوده و در برابر انواع دوگانگی‌ها از جمله رفتارهای خلاف منطق و عقل نیز کاربرد دارد.

کلمه‌ای که در تعریف غیرت مناسب به نظر می‌رسد؛ بروز حساسیت است. به این معنا که غیرت، نوعی حساسیت است؛ حساسیت، برخاسته از مسئولیت است و هر کس نسبت به چیزی مسئولیت دارد، باید نسبت به آن حساسیت نشان دهد. *فیض کاشانی* در «محجة البیضاء»، در آداب نکاح، هنگام برشمردن از خصلت‌هایی که باعث سعادت زندگی می‌شود، از لزوم غیرت مرد برای همسرش سخن به میان آورده و می‌گوید: «چهارم اینکه شوخی و خوش‌خویی و موافقت با خواسته‌های زنش را تا آنجا گسترش ندهد که باعث فساد اخلاق همسرش شود، و به طور کلی شکوه و ابهتش را در نزد او از دست بدهد بلکه در این باره اعتدال را رعایت کند و آنجا که خلاف شرعی ببیند نباید هیبت و شدت خود را از دست بدهد و نباید راه کمک به کارهای ناپسند را به روی او بگشاید، بلکه هر گاه خلاف شرع و خلاف مروتی را از او دید اعتراض کند و خشمگین شود. پیامبر (ص) فرمود: «مرد به کسی که بنده زنش باشد». پیامبر (ص) بدان سبب این جمله را فرموده است که مرد هرگاه در مورد خواسته‌های زن از او اطاعت کند، در

حقیقت او را پرستیده و خود به هلاکت افتاده است. خدای متعال او را صاحب اختیار زن قرار داده در صورتی که چنین مردی خودش را به دست خویش در اختیار زن گذاشته و درست قضیه را به عکس کرده و از شیطان پیروی کرده است، زیرا خداوند به نقل از شیطان گفته: «وَلَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خُلُقَ اللَّهِ» چه آنکه حق مرد آن است که متبوع باشد، نه تابع. خدای تعالی مردان را بالا دست زنان قرار داده و شوهر را آقا و سرور نامیده و می‌فرماید: «وَأَلْفِيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ؛ حال اگر سیّد و سرور مسخر شود، نعمت الهی را تبدیل به کفران و ناسپاسی کرده است. هوای نفس زن همانند هوای نفس تو است، اگر اندکی لجام نفس خویش را رها کنی بی‌اختیار، چون مرکب سرکشی، تو را تا مسافت دوری ببرد و اگر لجام را مقداری سست کنی چندین ذراع تو را بکشد، اما اگر لجام را آنجا که باید بکشی سخت در دست گیری، در اختیار تو خواهد بود» (الکاشانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۹۰).

سپس در مورد اهمیت اعتدال در غیرت و رزی می‌گوید: «آسمان‌ها و زمین به عدالت پابرجایند و هر چه از حدّ خود بگذرد به ضدّ خود مبدّل شود؛ بنابراین سزاوار است که آدمی در مخالفت و موافقت با همسرش راه اعتدال در پیش گیرد؛ مرد با تجربه باید نخست به اخلاق زن پی ببرد، سپس به اقتضای حال وی آنگونه که مصلحت است با او رفتار کند و در غیرت نسبت به همسرش میانه‌رو باشد؛ به این ترتیب که نه از مقدمات کارهایی که عواقب بیمناکی دارند؛ غافل بماند و نه زیاد بدگمان و سخت‌گیر و کنجکاو باشد که رسول خدا(ص) از تجسس اسرار زنان نهی فرموده؛ به عبارت دیگر «از سخنگیری با زنان منع کرده است»؛ اما غیرت در جای خود لازم و ضروری است و روایات از آن ستایش کرده‌اند؛ «همانا خداوند غیور است و مؤمن نیز غیرتمند است و غیرت خدا آن است که مبادا مرد مؤمن مرتکب محرّمات الهی گردد» (همان: ۹۲).

غیرت مرد نسبت به همسرش در گام اول به معنای حمایت اوست؛ به گونه‌ای که هیچ‌گونه جسارت و اهانتی به همسرش را تحمل نکند. غیرت مرد نسبت به همسرش از آن جهت است که زن حریم زندگی مرد به حساب می‌آید و مرد نمی‌تواند اجازه دهد که حریم او شکسته شود. در حدیثی از امام علی(ع) آمده است که فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید و بر سر غیرت نمی‌آیید در حالی که زنان شما به بازار می‌آیند و با بی‌نزاکت‌ها

درمی‌آمیزند؟» (البرقی القمی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۰۴). امیر المؤمنین (ع) در نامه‌ای که به امام حسن (ع) نوشته، می‌فرماید: «بپرهیز از اظهار غیرت نابجا به این ترتیب که زن بی‌گناهی را مورد سرزنش قرار دهی، در نتیجه او گناه را بزرگ شمرد و به سرزنش کردن تو بی‌اعتنا شود، این عمل، زنان درست کار را به نادرستی می‌کشاند؛ پس کار آنان را استوار کن و اگر عیبی در آن‌ها دیدی، عیب کوچک یا بزرگ، به شدت با آن برخورد کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

آنچه از تأمل در روایات به دست می‌آید، این است که بی‌غیرتی مرد نسبت به همسر در زندگی، شامل مواردی چون آرایش کردن و عطرزدن زن در بیرون از منزل و برای نامحرمان (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳: ۲۴۹)، زنا (همان، ج ۷۹: ۱۱۵) و شوخی او با نامحرمان (الطبرسی، ۱۴۱۸: ۴۱۷) می‌شود.

رفتارهای مرتبط با تقابل در آموزه‌های قرآن گفت‌وگوی منطقی

بیان ناراحتی و دلیل آن به همسری که به وظایف خود بی‌توجه است، به شیوه تأثیرگذار و به روش خیرخواهانه و منطقی، اولین آموزه‌ای است که هنگام تقابل، توسط قرآن در آیه ۳۴ سوره نساء با عنوان «موعظه» بیان گردیده است. آنجا که می‌فرماید: «... و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید...». موعظه در لغت به معنی تذکر دادن به خیر و چیزهایی که دل در برابر آن نرم می‌شود (الفراهیدی، ۱۴۱۴: ذیل وعظ) و نیز خیرخواهی و تذکر به عواقب امور (الجوهری، ۱۴۱۸) همراه با ترساندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶) آمده است. پیداست که موعظه در این حالت، به معنای بحث و جدل به شیوه منطقی و آرام، و پرهیز از هرگونه خشونت و عصبانیت است.

بسیاری از آسیب‌های ارتباطی زن و شوهر، به روابط کلامی نامناسب باز می‌گردد؛ به همین دلیل در متون اسلامی بر محتوای گفت‌وگوی درست و استوار (نساء/ ۹ و احزاب/ ۷۹)، مطابق پسند و عرف جامعه (بقره/ ۲۳۵ و نساء/ ۵)، ملایم و نرم (طه/ ۴۴)، ساده (اسراء/ ۲۸) و رسا و گویا تأکید شده است؛ غزالی نیز، در ضمن مباحث اخلاقی

مربوط به آداب زندگی خانوادگی، یکی از وظایف مرد در قبال همسر را چنین بیان می‌کند که او باید در هنگام نافرمانی زن، با تَلَطُّف و رفق با وی صحبت کند (غزالی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۰۱)؛ سپس به وظایف زن در برابر همسر پرداخته و می‌گوید: «از جمله وظایف زن این است که بدون علت، دچار خشم و عیب جویی نشود و اختلاف‌های بین خود و شوهر را برای دیگران بازگو نکند» (همان: ۳۰۲).

از آنجا که مهم‌ترین ابزار ارتباطی انسان و از جمله همسران، گفت‌وگو می‌باشد، هرگونه ضعف در این جنبه به بدفهمی می‌انجامد. سخنان نامناسب و توهین آمیز چه در محتوا (نساء/ ۱۴۸ و اسراء/ ۲۳) و چه در شیوه، مانند آهنگ بلند و ناراحت کننده (لقمان/ ۱۹) نهی شده است و این امر شامل رابطه کلامی همسران نیز می‌شود.

در روان‌شناسی نیز، «دعوی منصفانه» که به عنوان یک مهارت به خانواده‌ها می‌آموزد، چگونه هنگامی که بحث و جدل در می‌گیرد، با وضع مقررات خاص و بکار گرفتن آن با همدیگر، ارتباط بهتری برقرار کنند (دیویس کنث، ۱۳۸۲: ۱۹۶)؛ انطباق زیادی با آموزه اخلاقی موعظه در روابط همسران دارد.

منت نهادن بر همسر (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳: ۴۴۰)، ناسپاسی به صورت انکار همه خوبی‌های گذشته همسر (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۷: ۲۷۲)، کم شمردن خوبی‌ها و زیادانگاری ضعف‌ها، گفت‌وگو با حالت خشم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۲۳) به آشفتگی ارتباطی همسران می‌انجامد.

تحقیقات نشان می‌دهد، جر و بحث افرادی که در روابط خود به سرعت عصبانی می‌شوند، در مقایسه با افرادی که آرامش خود را حفظ می‌کنند، ۸۱ درصد بیش‌تر طول می‌کشد (دیوید نیون، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

بسیاری از زوج‌ها، مهارت شنودگی خوب را ندارند؛ توجه نکردن به سخنان همسر، مشغول بودن به کاری همراه با شنیدن و قطع مکرر کلام همسر، از آسیب‌های شایع در روابط کلامی خانوادهاست. مخاطب گفتار، لازم است شنونده خوب (انفال/ ۲۱)، پذیرای گوینده (توبه/ ۶۶) و با توجه بالا (زمر/ ۱۸) باشد و سخن فرد را قطع نکند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۶۰). بدین ترتیب، بیان ناخشنودی به همسر به شیوه صحیح سبب می‌شود تا او به خود آید و با دیدن حس حمایت و خیرخواهی همسر خود، مسیرش را تغییر دهد.

تعاملات رفتاری حاکی از ناخرسندی

در صورت کارگر نشدن موعظه و صحبت، نوبت به اظهار قهر می‌رسد که رعایت مراتب در آن، لازم و حایز اهمیت است؛ در این هنگام، اولین مرحله از نگاه قرآن، نوعی تعامل عاطفی با همسر است که از آن تعبیر به «وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» شده است؛ بی‌توجهی به همسر و رو گردانیدن از او، در واقع، تدبیری روان‌شناختی است که طرف مقابل را برای جلب رضایت همسر به تکاپو وا می‌دارد؛ در این حالت، فرد متوجه می‌شود که خطر از دست دادن توجه و محبت همسر، او را تهدید می‌کند و سعی در رفع مشکل و اصلاح خود می‌کند؛ ولی اگر این روش نیز مؤثر نبود، نوبت به ابراز ناخشنودی در مرحله بالاتر می‌رسد که به تعبیر قرآن، ضرب نام می‌گیرد؛ در مورد چگونگی و شیوه انجام این تعامل رفتاری، اقوال و نظرات مختلف، بر این باورند که چون اظهار ناخشنودی بیش از حد، نتایج معکوس به بار خواهد آورد و از آنجا که هدف از اظهار قهر، اصلاح رفتار نادرست همسر در جهت تعالی خانواده است، برای تحقق این هدف، باید هم مراتب رعایت شود و هم به حداقل ممکن اکتفا گردد؛ بنابراین مصادیق بیان شده به شدت این هدف اخلاقی را لحاظ کرده و شامل تنبیه بدنی خفیف (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۸۰؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۷۴)، نوعی برخورد روانی به گونه‌ای که ضربه عاطفی به همسر وارد شود و شدت آن از مرحله قبل بیش‌تر باشد (سالاری فرد، ۱۳۸۹: ۱۵۶ و ۱۵۷) و ضربه آگاهی‌بخش و بیدار کننده یا تلنگری که همسر را به فکر فرو برد و حاوی این پیام باشد که ادامه زندگی به صورت معمول و عادی در چنین شرایطی امکانپذیر نیست و کانون خانواده در خطر فروپاشی است (ترکاشوند، ۱۳۹۴: ۱۴۵)، می‌شود.

قرآن با عنایت به این تدبیر، در ادامه آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید: «و اگر موعظه مؤثر واقع نشد) در بستر از آن‌ها دوری نمایید و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود،) آن‌ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجویید (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌ها است.»

می‌توان گفت آنچه در این مرحله برای اصلاح رفتار دارای اهمیت است، در درجه اول اقتدار و هیبتی است که همسر به خصوص مرد، به جهت وظیفه سرپرستی و توان

مضاعف نسبت به زن و با فرض اینکه در شرایط تعادل اخلاق، عقل و منطق، صحت جسمی و روحی باشد، باید از خود بروز دهد. *خواجه نصیر الدین طوسی* در بحث از تدبیر منزل به این امر اشاره کرده و داشتن هیبت برای مرد جهت امتثال اوامر و نواهی‌اش از سوی همسر که به طبع برای اصلاح رفتار صورت می‌گیرد، بزرگ‌ترین شرایط سیاست اهل می‌داند (طوسی، ۱۳۸۹: ۲۲۰)؛ *غزالی* و *فیض کاشانی* نیز در کتب خود بابتی با عنوان «در نافرمانی زن» آورده و با اتکا به آیه ۳۴ سوره نساء به مراحل تقابل اشاره کرده‌اند؛ در کتاب «مکارم الأخلاق» *طبرسی* نیز در باب حقوق هر یک از زن و شوهر بر دیگری، به عدم خشونت و رفتار خارج از اخلاق با همسر تأکید شده است (طبرسی، بی تا، ج ۱: ۲۱۳).

استفاده از مشاور

اگر همسران به جایی رسیدند که نتوانند مشکل خود را با شیوه‌های رفتاری ذکر شده، درون خانه حل کنند؛ قرآن با ملاک و مبنای اخلاقی حسن معاشرت، در جهت حفظ کانون خانواده و با نیت اصلاح رفتار، تشکیل محکمه خانوادگی را مطرح می‌سازد و خداوند، خود، نتیجه بخش بودن این روش را در نیل به تفاهم و سازگاری بین همسران، تضمین می‌کند. قرآن می‌فرماید: «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند، زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است)».

در تفسیر این آیه در «المیزان» آمده است: «خدای سبحان برای مواردی که احتمال برود؛ کار زن و شوهر به دشمنی بینجامد، دستور داده یک حکم از طرف زن، و یک حکم از طرف مرد به مسأله رسیدگی کنند، زیرا دخالت یک حکم این خطر را دارد که او جانب یک طرف را بگیرد، و حکم جائزانه کند» (الطباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۴۶).

بنابراین هرگاه بین زن و شوهر اختلافی پیش آید و سازش نکنند؛ اگر ناسازگاری از هر دو طرف و یا تنها از طرف مرد باشد و زن نتواند همسرش را به سازش بکشانند و مرد نیز قادر نباشد که اصلاح کند، ناگزیر باید دو نفر از طرف مرد و زن انتخاب شوند تا بین آن‌ها داوری کنند و سازش دهند که اگر آن‌ها قصد اصلاح داشته باشند؛ خداوند آنان را

موفق خواهد کرد (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۱۰۷)؛ که می‌توان بر اساس پیشرفت تمدنی و تخصص انسان‌ها در علوم، معنای محکمه را به رجوع به مشاورین متبحر در زمینه خانواده نیز توسعه داد.

نتیجه بحث

فضای روابط همسران مسلمان در خانواده مملو از احساسات و تعاملات رفتاری گوناگونی است که همیشه بر مدار مثبت نمی‌چرخد و تجربه تعارض را برای آنان رقم می‌زند. از منظر آموزه‌های قرآن، آنچه در مواجهه با تعارض مهم است؛ مهارت‌های قابل اکتسابی همچون تقابل بر مبنای اصل اخلاقی معاشرت به معروف است؛ که هر یک از زوجین می‌توانند جهت حفظ انسجام و کارآیی خانواده و در راستای رسیدن به وحدت و صمیمیت دوباره در پیش گیرند. می‌توان گفت، تمام رفتارهای اخلاقی و مورد قبول خرد جمعی جامعه از مصادیق این مبنا و اصل مهم هستند که قرآن به مهم‌ترین آنان در قالب اصول رفتاری اولویت بندی شده‌ای چون صحبت منطقی (موعظه)، اظهار قهر، تشکیل محکمه خانوادگی یا رجوع به مشاور کاردان اشاره می‌کند و توصیه می‌کند تا هر یک از زوجین در رفتار با همسر خود، از آن به عنوان یک مؤلفه تعیین کننده، در پستی و بلندی، خوشی و ناخوشی زندگی مشترک، بهره جویند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- برقی القمی، احمد بن محمد. ۱۴۱۳ق، المحاسن، تحقیق السيد مهدی الرجایی، قم: المجمع العالمي لأهل البيت.
- برمکی، نقی. ۱۳۸۱ش، نظریه‌های جامعه‌شناسی، بی‌جا: سروش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۱۸ق، تاج اللغة وصحاح العربية المسمى بالصحاح، بیروت: دار الفكر.
- راغب الاصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۶ق، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم.
- رشید رضا، محمد. ۱۹۹۵م، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)، بیروت: دار المعرفة.
- طباطبائی، محمد حسین. ۱۴۱۲ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ط ۵، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- طبرسی، حسن بن فضل. بی تا، مکارم الأخلاق، محقق: محمد حسین الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۵ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۸ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، تحقیق: مهدی هوشمند، قم: دار الحديث.
- طوسی، محمد بن الحسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن محمد نصیر الدین. ۱۳۸۹ش، اخلاق ناصری، به کوشش: سیاوش خوشدل، تهران: انتشارات فراهانی.
- طیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸ش، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- غزالی، محمد. ۱۳۸۶ش، کیمیای سعادت، به کوشش: حسین خدیوچم، چاپ سیزده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۴ق، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، قم: انتشارات اسوه.
- قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۰ش، تفسیر أحسن الحديث، تهران: نشر بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن محمد. ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

- کاشانی، محمد بن المرتضی محسن. ۱۴۰۳ق، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، تصحیح: علی اکبر الغفاری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کنث، دیویس. ۱۳۸۲ش، *خانواده، راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری*، ترجمه: فرشاد بهاری، تهران: نشر تزکیه.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مقاتل بن سلیمان. ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۶ش، *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
- نیون، دیوید. ۱۳۸۳ش، *صد راز موفقیت در زندگی زناشویی*، ترجمه: نفیسه معتکف، تهران: درسا.

کتاب انگلیسی

- Cook, J. L. & Jones, R.M. (2002). Congruency of Identify Style in Married Couples. *Journal of Family Issus*. 23: 912-926.
- Fincham, F., & Beach, S.R. (2007). Forgiveness in marital quality: precursor of consequence in well-established relationships? *The journal of Positive Psychology*, 2, 260-268.
- Gottman, J.M. (1994), *Why marriage succeed or fail: What you can learn from the break through research to make your marriage last*. New York: Simon & Schuster.
- Ha T, Overbeek G, Lichtwarck - Aschoff A, Engels RCME (2013) Do Conflict Resolution and Recovery Predict the Survival of Adolescents Romantic Relationships? *PLOS ONE*, 8(4): e61871.
- Olson, D., Defrain, J., & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. McGraw Hill.
- Weeks, G.R. and Treat, S.R. (2001). *Couples in Treatment: techniques and approaches for effective practice*. (2 ed). Brunner-Routledge. Taylor & Francis Group. USA.

مقالات

- ترکاشوند، جواد. ۱۳۹۴ش، «*تحلیل روان‌شناختی نشوز و راهکارهای سه گانه قرآن*»، اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۷.
- رضایی، جمال و علی اصغر نراقی. ۱۳۸۹ش، «*بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام (ص)*»، فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، دوره ۱، شماره ۴.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه. ۱۳۷۸ش، «*مبانی حسن معاشرت در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم*»، مجله ندای صادق، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

تحليل جایگاه اخلاقی مهارت تقابل، هنگام تعارض بین همسران از منظر قرآن/۳۴۱

تحليل جایگاه اخلاقی مهارت تقابل، هنگام تعارض بین همسران از منظر قرآن/۳۴۳
